

رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس:

طرف آمریکایی همه شروط ایران را نپذیرد، مذاکره نمی کنیم

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، آب پاکی را روی دست آمریکایی ها ریخت و تأکید کرد: تا زمانی که طرف آمریکایی همه شروط ایران را نپذیرد، گفتگو و مذاکره هیچ فایده ای ندارد.

ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی طی پیامی در صفحه شخصی خود در فضای مجازی، آب پاکی را روی دست آمریکایی ها ریخت. او در صفحه خود نوشت:

«تا زمانی که طرف آمریکایی همه شروط ایران را نپذیرد، گفتگو و مذاکره هیچ فایده ای ندارد.»

هدف قرار گرفتن یک کشتی هنگام عبور از تنگه هرمز با پرتابه ناشناس

سازمان عملیات تجارت دریایی بریتانیا اعلام کرد گزارشی درباره اصابت یک پرتابه با منشأ ناشناس به یک کشتی در هنگام عبور از تنگه هرمز دریافت کرده است.

سازمان تجارت دریایی بریتانیا اعلام کرد، گزارشی درباره یک حادثه در تنگه هرمز دریافت کرده است.

بر اساس این اعلام، یک کشتی هنگام عبور از تنگه هرمز هدف اصابت یک پرتابه با منشأ ناشناس قرار گرفته و آسیب دیده است.

همچنین سازمان دریانوردی بریتانیا اعلام کرد که یک نفتکش در تنگه هرمز با موشکی با منشأ ناشناس هدف قرار گرفته است.

متخصصان روس اتم در راه ایران

مدیر عامل شرکت روس اتم اعلام کرد، تعدادی دیگری از متخصصان این شرکت در راه ایران هستند

مدیرعامل شرکت دولتی روس اتم اعلام کرد: تعدادی از متخصصان این شرکت در چارچوب تعمیرات برنامه ریزی شده واحد نخست نیروگاه اتمی بوشهر وارد ایران خواهند شد.

الکسی لیخاچف در حاشیه اجلاس سران بریکس در دهلی نو، گفت: تاکنون ۴۷ متخصص این شرکت به نیروگاه هسته‌ای بوشهر به ایران بازگشته‌اند و قرار است تعداد آنها به ۱۵۰ نفر افزایش یابد.

الکسی لیخاچف، رئیس شرکت روس اتم پیش از این گفته بود: روند بازگشت متخصصان روسی به نیروگاه هسته‌ای "بوشهر" ادامه دارد و در حال حاضر ۴۲ کارمند روس اتم در آنجا حضور دارند.

قالیاب قانون ملی توسعه هوش مصنوعی را ابلاغ کرد

رئیس مجلس شورای اسلامی، قانون ملی توسعه هوش مصنوعی را برای اجراء به رئیس جمهور ابلاغ کرد.

محمdbاقر قالیابف رئیس مجلس شورای اسلامی، قانون ملی توسعه هوش مصنوعی را برای اجراء به رئیس جمهور ابلاغ کرد.

قانون فوق مشتمل بر دوازده ماده و هشت تبصره که گزارش آن توسط کمیسیون صنایع و معادن به صحن مجلس تقدیم شده بود، پس از تصویب در جلسه علنی به تأیید شورای نگهبان رسید.

بر اساس ماده ۲ این قانون با هدف ساماندهی و توسعه زیست بوم هوش مصنوعی، سازمان ملی هوش مصنوعی به عنوان یک سازمان مستقل و دبیرخانه شورای ملی راهبری صرفاً با استفاده از امکانات و اعتبارات و نیروی انسانی موجود وبا رعایت قوانین و مقررات تشکیل می شود و ذیل رئیس جمهور فعالیت می کند.

الزیدی:

نمی گذاریم عراق به میدان درگیری تبدیل شود

نخست وزیر عراق بر ضرورت حفظ امنیت و حاکمیت کشور و جلوگیری از استفاده از خاک عراق برای حمله به کشورهای همسایه تأکید کرد.

علی الزیدی، نخست وزیر عراق در مراسم فارغ التحصیلی دانشجویان دانشکده پلیس تأکید کرد که اجازه نخواهد داد عراق به میدان درگیری های دیگران یا مبدایی برای حمله به کشورهای همسایه تبدیل شود.

بر اساس گزارش سومریه نیوز، الزیدی در ادامه گفت: «تلاش ها در راستای ایجاد اختلال در امنیت ما در برابر وحدت مردم و ایستادگی آنان در کنار دولت و نیروهای مسلح عراق، شکست خواهد خورد.» وی افزود: «نقش شما اعتماد به نظام سیاسی را تحکیم می کند، توسعه و اقتصاد را ارتقا می دهد و عراق را در رویارویی با بحران ها قدرتمندتر می سازد.» وی همچنین تصریح کرد: «مهمز شدن شما به آگاهی، دانش و فناوری های پیشرفته، توانایی مقابله با تهدیدها و تلاش های اخلاگران در امنیت کشور را تقویت می کند.»

نقشه خاورمیانه در نگاه اول همان

نقشه همیشگی است؛ ایران در شرق، عربستان در جنوب خلیج فارس، یمن در جنوب شبه جزیره و دریای سرخ در غرب. اما اگر نقشه را این بار نه با مرز کشورها، بلکه با خطوط کشتیرانی و گلوگاه های دریایی نگاه کنیم، تصویر کاملاً متفاوتی ظاهر می شود. در شمال، تنگه هرمز؛ در جنوب، باب المندب. دو شکاف باریک در میان آب هایی که بخش بزرگی از انرژی و تجارت جهان از آنها عبور می کند.

حالا یکی از این گلوگاه ها در میانه جنگ ایران و آمریکا به شدت محدود شده و در دیگری، حوثی های یمن با تصرف نقاطی چون بندر موخا و جزیره راهبردی میون، موقعیت خود را در نزدیکی باب المندب تقویت کرده اند. گزارش های اخیر از کنترل این جزیره و پیشروی حوثی ها در ساحل دریای سرخ خبر می دهند؛ تحولی که نگرانی درباره امنیت یکی از مهم ترین مسیرهای دریایی جهان را افزایش داده است.

در همین حال، عربستان که امیدوار بود با استفاده از مسیرهای جایگزین فشار ناشی از اختلال در هرمز را کاهش دهد، اکنون با مشکل دیگری روبه رو شده است. حمله به خط لوله شرق غرب باعث شد ریاض این مسیر حیاتی را موقتاً متوقف کند؛ خط لوله ای که در ماه های اخیر روزانه حدود ۴ تا ۵ میلیون بشکه نفت جابه جا می کرد. اینجاست که یک سؤال بزرگ تراز خود جنگ مطرح می شود: آیا ایران در حال ساخت نوعی امپراتوری دریایی است یا آمریکا خود را درون یک تله ژئوپلیتیکی گرفتار می بیند که هرچه بیشتر برای خروج از آن تلاش کند، ابعاد آن گسترده تر می شود؟

قدرتی که در نقشه دیده نمی شود

در قرن بیستم، وقتی از قدرت یک کشور سخن می گفتیم، معمولاً به تعداد هواپیماها، ناو ها، موشک ها و سربازان آن نگاه می کردیم. اما ژئوپلیتیک کلاسیک از مدت ها پیش هشدار داده بود که قدرت همیشه در اختیار کسی

رئیس جمهور با تأکید بر اینکه تاب آوری اقتصادی بدون امنیت، پایدار نخواهد بود، گفت: تحریم های یکجانبه مسئله اقتصادی صرف نیستند، بلکه مستقیماً بر امنیت غذایی و رفاه مردم اثر می گذارند. مسعود پزشکیان، در هجدهمین نشست سران بریکس پلاس با موضوع «تاب آوری، همکاری و پایداری: شکل دهی آینده برای رشد فراگیر جهانی»، گفت: هیچ کشوری به تنهایی قادر به حل چالش های امروز جهان نیست. بریکس باید ظرفیت های پراکنده کشورهای جنوب جهانی را به ظرفیت مشترک تبدیل کند. در این میان، موقعیت ژئوپلیتیکی و ظرفیت انرژی و ترانزیتی جمهوری اسلامی ایران می تواند در توسعه مسیرهای تجاری و انرژی میان اعضا نقشی مؤثر ایفا کند.

در متن سخنرانی رئیس جمهور آمده است:

تاب آوری اقتصادی بدون امنیت، پایدار نخواهد بود

رئیس جمهور:

موضوع این نشست، یعنی «تاب آوری، همکاری و پایداری»، تنها یک شعار نیست. این سه مفهوم، پاسخ به سه نیاز اساسی جهانی است که سرنوشت ملت هایش بیش از هر زمان دیگری به یکدیگر پیوند خورده است.

تاب آوری یعنی برخورداری از ظرفیت لازم برای حفظ مسیر توسعه و استقلال تصمیم گیری، حتی در شرایط فشار. وابستگی بیش از اندازه به نظام های محدود مالی و تجاری، اقتصادها را در برابر شوک های سیاسی آسیب پذیر می کند. امروزه، تحریم های یکجانبه مسئله اقتصادی صرف نیستند، بلکه مستقیماً بر امنیت غذایی و رفاه مردم اثر می گذارند. از این رو، بریکس باید با توسعه تجارت به ارزهای ملی و تقویت بانک توسعه جدید، ظرفیت مشترکی برای تاب آوری اقتصادی اعضا بسازد.

«روزگار» چگونگی تغییر موازنه قدرت توسط هرمز و باب المندب را بررسی کرد

هندسه نبرد در دو تنگه



امنیتی می توان آن را نوعی قدرت نامتقارن دانست. قدرت در اینجا از «توان ناپودی» نمی آید؛ از توان ایجاد هزینه می آید.

تله ای به نام دو گلوگاه

مشکل اصلی آمریکا شاید خود هرمز یا باب المندب به تنهایی نباشد. مشکل زمانی آغاز می شود که این دو مسئله به یکدیگر متصل شوند.

واشنگتن می تواند تلاش کند هرمز را باز نگه دارد. می تواند ناو، هواپیما، پهپاد و سامانه های اطلاعاتی بیشتری به منطقه بفرستد. اما اگر همزمان در جنوب، باب المندب نیز به یک منطقه پرخطر تبدیل شود، آمریکا با مسئله ای متفاوت روبه رو خواهد شد: چند جبهه دریایی که به یکدیگر متصل اند اما با یک عملیات نظامی واحد حل نمی شوند.

این همان جایی است که نظریه «بیش گسترگی» قدرت های بزرگ اهمیت پیدا می کند. یک هژمون ممکن است از نظر مطلق بسیار قدرتمند باشد، اما قدرت مطلق با توانایی حضور مؤثر در همه نقاط جهان یکسان نیست. هرچه تعداد نقاطی که باید همزمان کنترل شوند شرکت های کشتیرانی را تغییر دهد، دولت ها دشوار شود.

در باب المندب نیز حوثی ها با

چنین منطقی عمل می کنند. یک گروه غیردولتی که از نظر تجهیزات و توان نظامی با آمریکا قابل مقایسه نیست، می تواند با حضور در یک نقطه جغرافیایی محدود، محاسبات امنیتی یک کشور را تغییر دهد. این همان چیزی است که در ادبیات

اهمیت زیادی دارد. در جنگ های نامتقارن، قدرت الزاماً در یک مرکز متمرکز نیست. شبکه ای از بازیگران می تواند بدون داشتن یک فرماندهی واحد، اهدافی را دنبال کند که نتیجه نهایی آنها به سود یکدیگر تمام می شود.

به همین دلیل است که اگر حوثی ها فشار بر کشتیرانی در باب المندب را افزایش دهند، تهران لزوماً مجبور نیست ناو یا موشکی به جنوب دریای سرخ بفرستد تا از این وضعیت بهره ببرد.

جغرافیا خودش کار را انجام می دهد.

عربستان؛ قربانی اصلی نقشه جدید؟

شاید عجیب ترین بخش این بحران این باشد که کشوری که بیش از همه از تغییر وضعیت دو تنگه آسیب می بیند، نه ایران است و نه آمریکا؛ بلکه عربستان سعودی است.

ریاض میان دو گلوگاه قرار گرفته است. هرمز در شرق، باب المندب در جنوب غربی و مسیرهای جایگزین نیز خود تحت فشار قرار گرفته اند. حتی خط لوله شرق غرب که قرار بود راه فرار نفت عربستان از هرمز باشد، اکنون پس از حمله اخیر موقتاً متوقف شده است. این وضعیت یک مفهوم مهم ژئوپلیتیکی را به یاد می آورد؛ جغرافیا همیشه برای همه یک مزیت نیست.

عربستان به دلیل موقعیت جغرافیایی خود همزمان به خلیج فارس و دریای سرخ دسترسی دارد؛ اما همین موقعیت در شرایط جنگی می تواند به آسیب پذیری تبدیل شود. اگر شرق و غرب به طور همزمان ناامن شوند، گزینه های مانور ریاض محدود می شود.

در چنین شرایطی، وابستگی عربستان به آمریکا نیز بیشتر می شود. اما اینجا پارادوکس دیگری شکل می گیرد: هرچه عربستان بیشتر به حمایت آمریکا نیاز پیدا کند، واشنگتن بیشتر درگیر امنیت منطقه می شود؛ و هرچه آمریکا بیشتر درگیر شود، هزینه ژئوپلیتیکی جنگ برای آن افزایش می یابد.

چرا «قاسم بصیر» معادله امنیت خلیج فارس و دریای عمان را تغییر داد؟

شکار خاموش در مدار ۱۲۰۰

دریای عمان را به یک میدان پیوسته کشف و هدف گیری تبدیل کرده است.

موشکی که در لحظه اصابت تصمیم می گیرد

در نبرد دریایی، رساندن موشک به محدوده حضور دشمن تنها نیمی از مأموریت است. شناور هدف در طول پرواز موشک جابه جا می شود. آرایش ناوگروه تغییر می کند و سامانه های فریب نیز می کوشند موشک را به سمت هدفی کم اهمیت منحرف کنند. در این نقطه، جست و جوگر اپتیکی به چشم موشک تبدیل می شود. این حسگر پس از رسیدن به محدوده تعیین شده، محیط مقابل خود را مشاهده، هدف اصلی را از میان اهداف موجود تشخیص و مسیر نهایی را اصلاح می کند.

بنابراین، موشک دیگر صرفاً به یک مختصات از پیش تعیین شده حمله نمی کند؛ بلکه در آخرین مرحله پرواز، تصویر هدف را می بیند و حرکت خود را با موقعیت آن تطبیق می دهد.

این ویژگی در محیط متراکم خلیج فارس اهمیت ویژه ای دارد. در منطقه ای که شناورهای رزمی، پشتیبانی و تجاری ممکن است در فاصله ای محدود از یکدیگر حرکت کنند، تشخیص هدف اصلی همان اندازه اهمیت دارد که برد، سرعت و قدرت سرچنگی مهم برابر پافند حرکت کرده است.

پیمان مکه، همگرایی انفعالی یا دکتترین نوین منطقه ای؟

حنیف غفاری، کارشناس



مسائل بین الملل
تحولات پرشتاب و معادلات پیچیده غرب آسیا بار دیگر بازاریابی ائتلاف های منطقه ای را به صدر کانون های توجه رسانه ها و تحلیل گران سیاسی کشانده است. در این میان، اعلام توافق سه جانبه میان عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان موسوم به «توافق مکه»، به عنوان نقطه عطفی در ایجاد پیوندهای نوین امنیتی بازنمایی شد؛ رویدادی که اگرچه در لایحه ظاهری و مانورهای رسانه ای برطلمطراق جلوه می کند، اما در ترازوی واقع گرایی سیاسی، با چالش ها و شکاف های ساختاری عمیقی دست به گریبان است.

کارکرد محوری این پیمان را باید پیش از آنکه ناظر بر اتحاد تسلیحاتی کارآمد باشد، در سطح دیپلماسی عمومی و نمایش های ادراکی بازخوانی کرد.

در ادبیات روابط بین الملل، هر پیمان نظامی و امنیتی باید از زمانی متولد می شود و تداوم می یابد که یا بر پایه «دفع تهدید عینی و مشترک» بنا شده باشد یا بتواند «منافع عملیاتی ملموسی» را برای همه اصلاع خود تضمین کند. با بررسی اولویت های راهبردی ریاض، آنکارا و اسلام آباد، به روشنی درمی یابیم هیچ یک از این دو پیش شرط حیاتی در پیمان مکه محقق نشده است. کانون های تمرکز امنیتی پاکستان در تنش های سنتی با هند و بحران های مرزی با طالبان در افغانستان ریشه دارد؛ مسائلی که به هیچ وجه اولویت ترکیه یا عربستان نیست و این دو کشور به دلیل ملاحظات اقتصادی و دیپلماتیک با دهلی نو و کابل، هرگز وارد چنین منازعاتی نخواهند شد.

در نقطه مقابل، دغدغه های امنیتی ترکیه در پرونده کردی، مناقشات شرق مدیترانه و تنش های مرزی با یونان متمرکز است؛ حوزه ای که اسلام آباد و ریاض نه توان لجستیکی مداخله در آن دارند و نه انگیزه ای برای درافتادن با بلوک های غربی. علاوه بر این، اولویت کلیدی عربستان حفاظت از پروژه های بلندپروازانه اقتصادی مانند نئوم و مصون سازی شریان های نفتی است که ماهیتی کاملاً متفاوت با چالش های دو ضلع دیگر دارد. این ناهمگونی بنیادین در ادراک تهدیدات نشان می دهد پیمان مکه بر بستری شکننده و فارغ از پشتوانه های پیونددهنده عملیاتی متولد شده است.

از همین رو، کارکرد محوری این پیمان را باید پیش از آنکه ناظر بر اتحاد تسلیحاتی کارآمد باشد، در سطح دیپلماسی عمومی و نمایش های ادراکی بازخوانی کرد. عربستان با نظام پادشاهی متمرکز، پاکستان با تکیه بر ساختار امنیتی-نظامی ارتش و ترکیه با فضای متغیر حزبی و انتخاباتی، سه الگوی حکمرانی ناهمگون هستند که هرگونه تغییرات سیاسی در آنها می تواند معادلات توافق را دگرگون کند. انتخاب مکانی نامدین همچون مکه مکرمه و بهره گیری از ادبیات وحدت گرایانه، تلاشی هوشمندانه برای بازتعریف وزن ژئوپلیتیک و اطمینان بخشی روانی به سرمایه گذاران خارجی در شرایط گذار است. نه ایجاد اتفاق جنگ مشترک با یگان های عملیاتی یکپارچه.

ریشه شکل گیری این ائتلاف را نباید در نبوغ ایجابی، بلکه در نوعی «همگرایی انفعالی و واکنشی» جست و جو کرد. دهه ها اتکای مطلق به چتر امنیتی آمریکا، نقصی ساختاری در دکتترین دفاعی این پایتخت هایدید آورد؛ اما با تغییر موازنه ها و آشکار شدن ناکارآمدی رویکردهای واشنگتن در مدیریت بحران ها، این رویکرد حفاظتی دچار فروپاشی شد. محاسبه پیشین حاکی از آن بود که حضور گسترده نظامی آمریکا می تواند بازاندگی نامحدودی ایجاد کند؛ اما تاب آوری ساختاری جمهوری اسلامی ایران و دیگر اصلاع جبهه مقاومت و اشراق راهبردی آنها بر عمق ژئوپلیتیک منطقه، پوچی این محاسبات را عیان ساخت.

این واقعیت ثابت کرد آمریکا دیگر توان و اراده تضمین قطعی امنیت متحدانش را ندارد. از این رو، دولت های محافظه کار منطقه که به شدت خطر گریز هستند، برای جبران احساس تنهایی و خلا امنیتی واشنگتن، به سمت راهبردهای جبرانی و خرید حامی روی آورده اند؛ پدیده ای که واشنگتن نیز با واگذاری صوری مسئولیت ها به بازیگران محلی، آن رانه به مثابه عقب نشینی ناگزیر، بلکه در پوشش خروج مدیریت شده از غرب آسیا ترویج می کند.

۴۴۵ میلیون هزینه خرید اوراق ۵۱,۵ میلیون قسط براي ۱۲ متر خانه!

وام مسکن براي خانه دار شدن است يا پدھکار شدن؟

سياست‌گذاران پولوي و مسئولان بخش مسکن بار ديگر با اتکا به فرمول قديمي و آزموده‌شده «افزايش سقف اسمي تسهيلات»، تلاش کرده‌اند تاگره کور کاهش قدرت خريد متقاضيان مسکن در کلان شهرها را بگشايند. براساس تازه‌ترين تصميمات و مصوبه‌اي که از ۲۷ مرداد صادر و پرداخت آن آغاز شد، سقف تسهيلات خريد مسکن از محل اوراق گواهي حق تقدم (تسه) براي زوجين در شهر تهران به دو ميليارد تومان، در مراکز استان ها به ۱,۶ ميليارد تومان و وام جعاليه ياهمان تعميرات مسکن به ۴۰۰ ميليون تومان افزايش يافته است.

در نگاه نخست، دسترسي به يک وام ۲,۴ ميليارد توماني ممکن است براي بسياري از خانوار هاي مستاجريامتقاضيان خانه اولي، خبري اميدوارکننده و گامي مثبت در جهت خانه‌دار شدن به نظر برسد. اما بررسي دقيق، شکافتن لايه‌هاي پنهان محاسباتي، تحليل نرخ سود، هزينه‌هاي اوليه ورود به اين فرايند و در نهايت مقايسه آن با تورم افسارگسيخته وميانگين قيمت هاي جاري در بازار مسکن پايتخت، تصوير کاملاً متفاوتي را ترسيم مي‌کند. واقعيت ملموس اين است که اين مبلغ پرداختي به دليل ساختار معيوب و هزينه‌هاي حاشيه‌اي سنگين، عملاً تربيخي کارآمد خود را براي دهک‌هاي هدف و طبقه متوسط جامعه از دست داده است.

وامي که پيش از ديافت، ۴۴۵ ميليون تومان خرد مي‌شود!

بزرگ‌ترين پارادوکس وايراد تسهيلات جديد مسکن، هزينه‌هاي کمرشکن و ابتدايي براي نقد کردن و دسترسي به اصل پول است. بر اساس مقررات نظام بانكي، متقاضيانی که قصد دارند از سقف کامل وام ۲,۴ ميلياردتوماني (شامل دو ميليارد تومان وام خريد زوجين و ۴۰۰ ميليون تومان وام جعاليه) استفاده کنند، ملزم به خريد اوراق گواهي حق تقدم استفاده از تسهيلات مسکن در بازار سرمايه هستند. از آنجاکه هر برگ اوراق نماينده ۵۰۰ هزار تومان تسهيلات است، متقاضي براي دريافت دو ميليارد تومان وام خريد به ۴۰۰۰ برگ و براي ۴۰۰ ميليون تومان وام جعاليه به ۸۰۰۰ برگ ديگر نياز دارد که در مجموع مستلزم خريد ۲۸۰۰۰ برگ اوراق «تسه» است.

مانع بعدي؛ قسط ۵۱,۵ ميليون توماني

چالش و شوک اصلي اين مدل از تسهيلات پولي، نه فقط در مرحله اوليه خريد اوراق، يا حتي تهيه مابقي مبلغی که براي خريديک آيترمان کوچک لازم است؛ بلکه در جدول بازپرداخت‌هاي کمرشکن و سنگين اقساط ماهانه نهفته‌اند. نرخ سود مصوب براي هر دو بخش اين تسهيلات (وام خريد و وام جعاليه) ۲۲,۵ درصد تعيين شده است. اين نرخ سود پايه، ترکيبي از بازپرداخت ۱۲ ساله وام اصلي و دو ميلياردي و بازپرداخت ۵ ساله وام ۴۰۰ ميليوني جعاليه را روي دوش خانوار متقاضي قرار مي‌دهد.

بررسي دقيق جزئيات اين اعداد محاسباتي نشان مي‌دهد که قسط ماهانه وام دو ميليارد توماني خريد مسکن به تنهایی حدود ۴۰,۳ ميليون تومان در ماه تعيين شده است. از سوي ديگر، قسط ماهانه تسهيلات ۴۰۰ ميليون توماني حاليه که مهلت بازپرداخت ۵ ساله دارد، بالغ بر ۱۱,۶ ميليون تومان در ماه مي‌شود. به اين ترتيب، قسط ترکيبي پرداختي براي زوجيني که سقف ۲,۴ ميلياردتوماني را دريافت مي‌کنند، در پنج سال نخست بازپرداخت، به رقم سرسام‌آور حدود ۵۱,۵ ميليون تومان در ماه مي‌رسد! اين درحالي است که هر کدام از آنهايک حقوق حداقلي مصوب امسال – حداقل حقوق کارگرمناهل (بدون فزنذ)، حدود ۲۲ ميليون و ۳۲۵ هزارو ۵۵۰ تومان – را دريافت کنند، جمعا حدود ۴۵ ميليون تومان درآمد دارند که تقريباً ۶ ميليون کمتر از اقساط مورد بحث است.

در کنار اين قسط ماهيانه سنگين، نبايد از مجموع سود پرداختي به نظام بانكي غافل شد؛ متقاضي اين وام در طول دوره ۱۲ ساله بازپرداخت، در مجموع بايد حدود ۴,۴ ميليارد تومان فقط بابت سود به بانک مسکن بپردازد! پرداخت قسط ماهانه ۵۱,۵ ميليون توماني نيازمند آن است که يک خانوار پس از کسر تمامی هزينه‌هاي متعارف و سرسام‌آور زندگي در پايتخت، درآمد ماهانه‌اي بسيار بالا داشته باشد. اين در حالي است که ميانگين حقوق پرداختي در نظام اداري، کارگري و بخش خصوصي کشور فاصله‌اي کهکشاني با اين ارقام دارد.

خبر ویژه

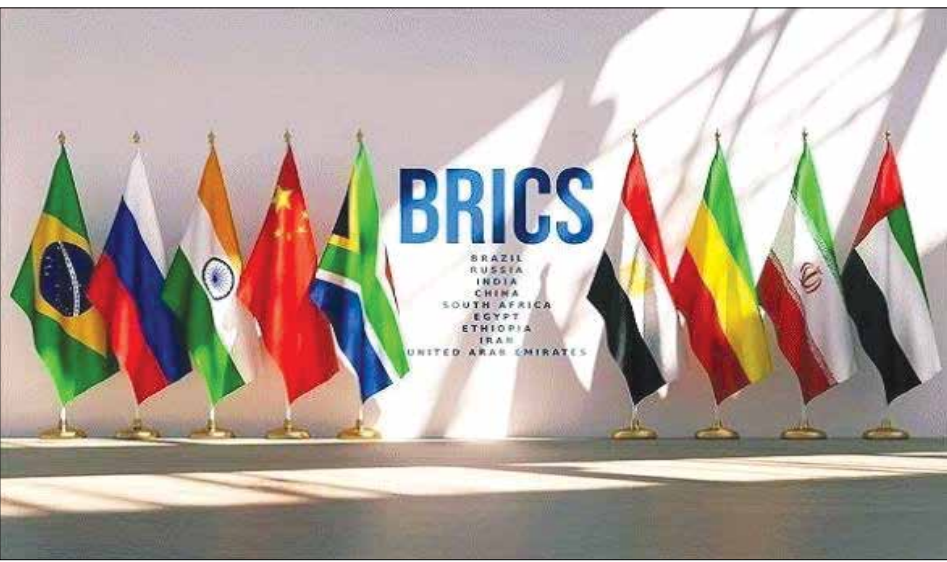
عضو کمیسیون برنامه، بودجه مجلس:

می‌توان با روش‌های مختلف بازار ارز را مدیریت کرد

است. آقای همتی پیش از این اعلام کرده بود که ارز را روش‌ها و ابزارهای مختلف کنترل خواهد کرد، اما متأسفانه اکنون شاهد اقدام مؤثری از سوی دولت و ابزارهای مالی برای مدیریت بازار ارز نیستیم. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس ادامه داد: به اعتقاد من، در شرایط کنونی می‌توان با استفاده از روش‌های مختلف، بازار ارز را از این شیب تند صعودی خارج کرد. باید بخش‌های غیردولتی که در اختیار خود منابع ارزی دارند، برای ورود ارز به چرخه اقتصاد کشور تشویق شوند. کوچکی نژاد با اشاره به تجربه‌های گذشته در مدیریت بازار ارز، تصریح کرد: هر زمان که نرخ ارز روند صعودی پیدا می‌کرد، دولت از روش‌های مختلفی همچون استفاده از ظرفیت صراف‌ها، تاجار و فعالان اقتصادی بهره می‌گرفت.

«روزگار» سهم ایران از یک بریکس را بررسی کرد

بریکس ، آزمون اقتصادی کشور



محبوبه‌کاری/گروه اقتصاد

حضور ایران در هجدهمین اجلاس سران بریکس در دهل‌ی نو، در شرایطی صورت می‌گیرد که این گروه به یکی از مهم‌ترین کانون‌های اقتصادی و تجاری «جنوب جهانی» تبدیل شده است. افزایش وزن اقتصادی اعضای بریکس و تلاش این مجموعه برای ایجاد سازوکارهای مستقل مالی و تجاری، باعث شده است عضویت ایران در این گروه بیش از آنکه صرفاً یک دستاورد دیپلماتیک تلقی شود، به یک آزمون اقتصادی برای کشور تبدیل شود؛ آزمونی که نتیجه آن باید در تجارت، سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و کاهش هزینه مبادلات خارجی ایران دیده شود.

بر اساس آمار ارائه‌شده از سوی کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (آنکتاد)، صادرات کالایی اعضای بریکس در سال ۲۰۲۴ به حدود ۶ تریلیون دلار و واردات آنها به حدود ۵ تریلیون دلار رسیده است. تجارت درون‌گروهی نیز به حدود ۱.۲ تریلیون دلار افزایش یافته است. این ارقام نشان می‌دهد بریکس دیگر صرفاً یک چارچوب سیاسی برای هماهنگی میان کشورهای عضو نیست، بلکه مجموعه‌ای از اقتصادهای بزرگ مصرف‌کننده، تولیدکننده، صادرکننده انرژی و صاحب بازارهای سرمایه را در کنار یکدیگر قرار داده است.

ایران نیز از سال ۲۰۲۴ به عضویت کامل بریکس درآمد و در کنار چین، هند، روسیه، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، مصر، اتیوپی، اندونزی، برزیل و آفریقای جنوبی در این گروه حضور دارد. با این حال، اهمیت عضویت ایران را نمی‌توان تنها با تعداد اعضا یا وزن اقتصادی این گروه سنجید؛ پرسش اصلی این است که این عضویت چه تغییری در مناسبات اقتصادی ایران با این کشورها ایجاد خواهد کرد.

تجارت ایران و بریکس؛ ظرفیت بزرگی که از قبل وجود داشته است

نگاهی به آمار تجارت خارجی ایران نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از ارتباط تجاری کشور با اعضای بریکس حتی پیش از عضویت رسمی ایران شکل گرفته بود.

بر اساس داده‌های منتشرشده در بولتن اقتصادی بریکس، صادرات گمرکی ایران به کشورهای عضو این گروه در سال ۱۴۳۳ حدود ۲۲.۷ میلیارد دلار واردات ایران از این کشورها حدود ۲۸.۸ میلیارد دلار بوده است. بنابراین، حجم تجارت ایران با بریکس پیش از آنکه یک ظرفیت بالقوه باشد، بخشی از واقعیت کنونی اقتصاد خارجی کشور است.

از این منظر، چالش اصلی برای ایران، صرفاً افزایش حجم تجارت نیست؛

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس با انتقاد از بی‌عملی دولت در برابر افزایش شتابان نرخ ارز، گفت: جهش چند ده هزار تومانی قیمت دلار در مدت کوتاه، زنگ خطر جدی برای اقتصاد کشور است؛ چرا که افزایش نرخ ارز به سرعت به گرانی، فشار بر معیشت مردم، اختلال در کسب و کارها و بحران در تأمین مواد اولیه تولید منجر می‌شود. جبار کوچکی نژاد با اشاره به افزایش قیمت دلار و ضرورت مدیریت صحیح بازار ارز از سوی دولت و بانک مرکزی، گفت: بحث ارز و زندگی مردم با یکدیگر گره خورده است و در این روزها شاهد هستیم که قیمت دلار با شیب تندی در حال افزایش است. نماینده مردم رشت و خمام در مجلس با انتقاد از عملکرد دولت در این زمینه، افزود: متأسفانه دولت تاکنون واکنش مؤثری نسبت به این شرایط نشان نداده

مدنی‌زاده: بریکس در کوتاه‌مدت و بلندمدت اهمیت دارد

وزیر اقتصاد همچنین درباره ظرفیت بریکس و سامان همکاری‌های شانگهای برای کاهش آثار تحریم‌ها گفت که این ظرفیت‌ها در کوتاه‌مدت می‌توانند در کاهش آثار تحریم‌ها مؤثر باشند، اما نقش بانک توسعه جدید بریکس باشد. این موارد دقیقاً در نقطه‌ای قرار می‌گیرند که منافع ژئوپلیتیکی بریکس با نیازهای عملی اقتصاد ایران تلاقی پیدا می‌کند. پزشک‌یان همچنین بر توسعه همکاری میان اعضاء در حوزه‌های علم و فناوری، انرژی و امنیت غذایی تأکید کرد؛ هم‌حوزه‌هایی که برای اقتصاد ایران، هم از منظر صادرات و هم از منظر جذب سرمایه و فناوری، اهمیت قابل توجهی دارند.

دلارزدایی؛ فرصت یا پیروزی‌های بلندمدت؟

یکی از محورهای پررنگ اجلاس، موضوع کاهش وابستگی به دلار و توسعه سازوکارهای مالی مستقل بود. مدنی‌زاده با اشاره به فضای حاکم بر نشست وزرای اقتصاد و بخش نخست اجلاس سران گفت اجماع قابل توجهی وجود داشته که بریکس و سازمان همکاری‌های شانگهای می‌توانند فرصت مناسبی برای مقابله با یک‌جانبه‌گرایی

و حرکت در مسیر دلارزدایی ایجاد کنند. البته باید میان «کاهش وابستگی به دلار» و «حذف دلار از تجارت جهانی» تفاوت قائل شد. تحقق شبکه‌ای گسترده از پرداخت‌های غیر دلاری، نیازمند ایجاد زیرساخت‌های بانکی، استانداردهای مشترک، اعتماد میان بانک‌ها و ثبات مقررات است. بنابراین، این فرآیند احتمالاً تدریجی خواهد بود.

برای ایران اما حتی ایجاد بخشی از این زیرساخت‌ها نیز می‌تواند اهمیت داشته باشد؛ زیرا در شرایط تحریم، هر ماده غذایی، به خصوص بریکس، سهم بیشتری از آن به داخلی جهان را در اختیار دارد. مدنی‌زاده با اشاره به عضویت ایران در بریکس و سازمان همکاری‌های شانگهای، تأکید کرد: توسعه تجارت با ارزهای ملی، تقویت سازوکارهای پرداخت مستقل و افزایش نقش بانک توسعه جدید بریکس باشد.

این موارد دقیقاً در نقطه‌ای قرار می‌گیرند که منافع ژئوپلیتیکی بریکس با نیازهای عملی اقتصاد ایران تلاقی پیدا می‌کند. پزشک‌یان همچنین بر توسعه همکاری میان اعضاء در حوزه‌های علم و فناوری، انرژی و امنیت غذایی تأکید کرد؛ هم‌حوزه‌هایی که برای اقتصاد ایران، هم از منظر صادرات و هم از منظر جذب سرمایه و فناوری، اهمیت قابل توجهی دارند.

این موارد دقیقاً در نقطه‌ای قرار می‌گیرند که منافع ژئوپلیتیکی بریکس با نیازهای عملی اقتصاد ایران تلاقی پیدا می‌کند. پزشک‌یان همچنین بر توسعه همکاری میان اعضاء در حوزه‌های علم و فناوری، انرژی و امنیت غذایی تأکید کرد؛ هم‌حوزه‌هایی که برای اقتصاد ایران، هم از منظر صادرات و هم از منظر جذب سرمایه و فناوری، اهمیت قابل توجهی دارند.

این موارد دقیقاً در نقطه‌ای قرار می‌گیرند که منافع ژئوپلیتیکی بریکس با نیازهای عملی اقتصاد ایران تلاقی پیدا می‌کند. پزشک‌یان همچنین بر توسعه همکاری میان اعضاء در حوزه‌های علم و فناوری، انرژی و امنیت غذایی تأکید کرد؛ هم‌حوزه‌هایی که برای اقتصاد ایران، هم از منظر صادرات و هم از منظر جذب سرمایه و فناوری، اهمیت قابل توجهی دارند.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس :

اعتبار کالا برگ در برابر تورم افسارگسیخته ناچیز است

شدند، تفاوت محسوس در قدرت خرید خود احساس نکردند. انتظار می‌رفت کالا برگ مکمل یارانه نقدی باشد و نیازهای اساسی مثل نان، لبنیات و پروتئین را تأمین کند. اما در عمل اینگونه نبوده است. این نماینده مردم در مجلس بیان کرد: اگر دولت به دنبال حمایت واقعی است، باید مبلغ کالا برگ را متناسب با تورم ماهانه افزایش دهد، در غیر این صورت، این طرح نه تنها شکاف طبقاتی را کاهش نمی‌دهد، بلکه بار مالی مضاعفی بر اقتصاد تحمیل می‌کند.

مقصودی عنوان کرد: این طرح با این وضعیت، نتوانسته تغییری محسوس در وضعیت معیشتی اقشار کم‌درآمد ایجاد کند. بسیاری از خانوارهای مشمول می‌گویند مبلغ کالا برگ در برابر تورم افسارگسیخته مواد غذایی، عملاً به چشم نمی‌آید.

مسیر پرداخت معتبر و کم‌هزینه جدید می‌تواند بخشی از هزینه مبادلات خارجی کشور را کاهش دهد.

بخش خصوصی؛ حلقه‌ای که باید به بریکس متصل شود

در این میان، موفقیت اقتصادی عضویت ایران در بریکس بدون مشارکت بخش خصوصی دشوار خواهد بود. فرزین پردیس، عضو هیئت‌رئیس‌ه اتاق بازرگانی تهران، در گفت‌وگو با خبرنگار باشگاه خبرنگاران با تأکید بر همین موضوع معتقد است بنگاه‌های خصوصی باید یاز مسیر صادرات برای کشور رازواری کنند یا با تولید کالاها و خدمات مورد نیاز، به حفظ اشتغال، افزایش تاب‌آوری اقتصادی و تأمین نیازهای مردم کمک کنند.

به گفته پردیس، اگرچه اهمیت بخش خصوصی و نقش آن در اقتصاد امروز برای بسیاری روشن است، اما هنگام رسیدن به مرحله اجرا و تقسیم واقعی نقش میان دولت و بخش خصوصی، موانع خود را نشان می‌دهند و بسیاری از فعالان اقتصادی نسبت به این وضعیت گلایه دارند.

او همچنین با اشاره به تجربه کشورهای عضو بریکس گفت در بسیاری از این کشورها سهم بخش خصوصی افزایش یافته و این بخش به موتور محرک فناوری، رشد اقتصادی و افزایش رفاه جامعه تبدیل شده است. از نگاه پردیس، حضور فعالان بخش خصوصی در سازوکارهای بریکس اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که بخش خصوصی کشورهای عضو می‌تواند در بسیاری از موارد با بخش خصوصی ایران همکاری مستقیم‌تری داشته باشد. او با اشاره به اجلاس هند گفت پنج نماینده از سوی اتاق تهران و شورای تجاری بریکس در این اجلاس حضور داشته‌اند و در کمیسیون‌ها و نشست اصلی مشارکت اقتصادی ایران، دیپلماتی دولتی باید به قراردادهای تجاری بخش خصوصی منتهی شود.

مسئله اصلی؛ آیا بریکس می‌تواند هزینه تجارت ایران را کاهش دهد؟

در نهایت، شاید مهم‌ترین معیار سنجش موفقیت ایران در بریکس نه تعداد نشست‌ها و بیانیه‌ها، بلکه چند شاخص کاملاً اقتصادی باشد: آیا تجارت ایران با اعضای بریکس افزایش پیدا می‌کند؟ آیا سهم صادرات ایران رشد می‌کند؟ آیا سرمایه‌گذاری مشترک شکل می‌گیرد؟ آیا انتقال پول آسان‌تر و ارزان‌تر می‌شود؟ آیا شرکت‌های ایرانی به زنجیره‌های ارزش اعضا بریکس متصل می‌شوند؟

گزارش

بازگشت عوارض آزادراهی به شیوه دستی ننده عقب در آزادراه‌ها

در حالی دولت‌های گذشته و مجموعه وزارت راه و شهرسازی توسعه پرداخت الکترونیکی عوارض را با هدف روان‌سازی تردد در آزادراه‌ها دنبال می‌کردند که این روند در دولت چهاردهم معکوس شده است. حدود ۷ سال پس از آغاز اجرای طرح الکترونیکی شدن دریافت عوارض آزادراهی با هدف کاهش مبادلات نقدی و تسهیل تردد در دوران شیوع کرونا، نشانه‌های بازگشت به شیوه سنتی دریافت عوارض در برخی آزادراه‌های کشور بیشتر شده است؛ فرآیندی که با بازگشت عوارض آزادراه‌های خرم‌آباد، پل زال، ساوه، سلفچگان و زال، اندیشمک به شیوه دستی وارد مرحله تازه‌ای شده است و اکنون قطعه ۲ آزادراه ساوه، همدان نیز به این فهرست اضافه شده است.

محمد اسلامی وزیر راه و شهرسازی دولت دوازدهم و رئیس کنونی سازمان انرژی اتمی سال ۱۳۹۸ همزمان با آغاز همه‌گیری ویروس کرونا در کشور از اجرای طرح الکترونیکی شدن پرداخت عوارض آزادراهی خبر داده بود؛ طرحی که کاهش مبادله اسکناس و پول نقد و تسهیل تردد خودروها از اهداف اصلی آن عنوان می‌شد.

وی در آن مقطع با اشاره به اتصال آزادراه‌ها به شبکه پرداخت الکترونیکی عوارض گفته بود: در گام نخست ۴ آزادراه به این شبکه متصل شدند، پس از آن ۳ آزادراه دیگر و در مرحله بعد نیز ۴ آزادراه به این شبکه پیوستند، به این ترتیب تعداد آزادراه‌های متصل به شبکه پرداخت الکترونیکی عوارض به ۱۱ آزادراه رسید.

با وجود مقاومت برخی سرمایه‌گذاران پروژه‌های آزادراهی در برابر حذف عوارض گیری دستی، اجرای این طرح در دولت سیزدهم شتاب بیشتری گرفت. بر اساس آمار مطرح‌شده در آن دوره، عوارض ۲۲ آزادراه از مجموع ۲۸ آزادراه تحت پوشش شرکت ساخت و توسعه زیربنای حمل و نقل کشور به صورت الکترونیکی دریافت می‌شد، پیش‌تر در دولت حسن روحانی نیز عوارض ۱۶ آزادراه مدتهاً دولتی به شیوه الکترونیکی دریافت می‌شد،

این در حالی بود که در دولت چهاردهم تنها عوارض یک آزادراه، یعنی خرم‌آباد، پل زال، در مهرماه سال ۱۴۰۳ الکترونیکی شد؛ اقدامی که البته بدون ارائه توضیح شفاف درباره دلایل آن متوقف شد و دریافت عوارض این آزادراه مجدداً به شیوه دستی بازگشت.

اما بازگشت به شیوه سنتی دریافت عوارض آزادراه خرم‌آباد-پل زال محدود نماند و آزادراه‌های ساوه، سلفچگان و زال اندیشمک نیز مدت کوتاهی پس از الکترونیکی شدن، دوباره به دریافت دستی عوارض بازگشتند. بازگشت دریافت عوارض به شیوه دستی در شرایطی اتفاق افتاده است که کشور همزمان با شیوع فاجعه جدید کرونا مواجه بوده و شاخص کشوری این بیماری از آستانه هشدار پایین عبور کرده است. این بیماری به دلیل قدرت سرایت بالا، ضرورت کاهش تماس‌های نزدیک و رعایت ملاحظات بهداشتی را بیش از گذشته مورد توجه قرار داده است، در چنین شرایطی، بازگشت مبادلات نقدی و تماس مستقیم رانندگان با متصدیان عوارض، کنار افزایش توقف خودروها، با هدف اولیه اجرای طرح الکترونیکی شدن عوارض همخوانی ندارد.

وعده نظام‌مندشدن ETC:

از حرف تا عمل

قرار بود موضوع ETC طبق وعده مسئولان شرکت ساخت و توسعه زیربنای حمل و نقل کشور نظام‌مند شود و فرآیند دریافت عوارض به شکل الکترونیکی و هدفمند انجام شود. اسفندماه سال گذشته میلاد دوستی معاون ساخت و توسعه آزادراه‌های شرکت ساخت و توسعه زیربنای حمل و نقل کشور در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم با اشاره به نقش سرمایه‌گذاران در اجرای پروژه‌های آزادراهی گفته بود: در زمان حاضر بخش قابل توجهی از تأمین منابع مالی پروژه‌ها به عهده سرمایه‌گذاران است و مدل اجرای آزادراه‌ها بر همین مبنا پیش می‌رود.

وی افزود: به این سمت حرکت کرده‌ایم که سال ۱۴۰۵ با همراهی کمیسیون تخصصی مجلس، موضوع ETC را نظام‌مند کنیم تا فرآیند دریافت عوارض به شکل الکترونیکی و هدفمند انجام شود.

معاون ساخت و توسعه آزادراه‌های شرکت ساخت و توسعه زیربنای حمل و نقل کشور با تأکید بر لزوم تعریف گلوگاه‌های مشخص، از جمله بیمه و کارت سوخت، برای اخذ عوارض آزادراه‌ها بیان کرد: باید سازوکاری طراحی شود که به نفع سرمایه‌گذاران باشد و دریافت عوارض به صورت دستی انجام نشود؛ چرا که در سه شیف کاری حداقل ۴۰ نفر پرسنل درگیر هستند.

از جهش قیمت نوشت افزار تا الزام معلمان به دفاتر رنگی

مهر گران برای خانواده‌ها

گزارش‌های میدانی از بازار نوشت‌افزار نشان می‌دهد قیمت یک بسته کامل لوازم مدرسه از چند صد هزار تومان فراتر رفته و بسیاری از خانواده‌ها توان خرید اقلام جدید را ندارند؛ در این میان، الزام به خرید دفاتر رنگی توسط برخی معلمان در «شاد» به گلابیه اولیادامن زده است. با نزدیک شدن به مهر، بازار نوشت‌افزار با دو چالش همزمان روبه روست جهش قیمت‌ها و رکود تقاضا. گزارش‌های میدانی از بازار نوشت‌افزار نشان می‌دهد که یک کوله‌پشتی حاوی چهار دفتر مشق، یک دفتر نقاشی، دو مداد مشکی و قلمز، مداد رنگی ۱۲تایی، یک مداد نوکی، پاک‌کن، خودکار، غلط‌گیر و جامدادی را می‌توان حداقل ۴ میلیون ۵۰۰ هزار تومان در ایلام قیمت داد. گزارش‌هایی از فضای مجازی حکایت از آن دارد که برخی معلمان در بستر «شاد» دانش‌آموزان را به تهیه دفاتر با رنگ‌های مشخص مکلف کرده‌اند؛ موضوعی که فشار مالی مضاعفی بر خانوارها وارد می‌کند. مریم احمدزاده، مادر دو دانش‌آموز مقطع ابتدایی به ایسنا، درباره خرید نوشت‌افزار گفت: سال گذشته با دو میلیون تومان می‌توانستیم کیف، دفتر و مداد رنگی برای دوپچه بخریم، اما امسال همین وسایل حداقل سه تا چهار میلیون تومان هزینه دارد. دیگر واقعا از توان ما خارج است. وی خاطرنشان کرد: پسرم هر بار که ویتترین مغازه را می‌بیند دلش می‌خواهد دفتر و مداد رنگی جدید بگیرد، اما مجبورم به او بگویم فعلا همان وسایل پارسال را استفاده کند. این برای بچه سخت است، ولی چاره‌ای نداریم. علی ایوبی، پدر سه فرزند دانش‌آموز، از اضطراب همیشگی ماه مهر می‌گوید: هر سال که مهر نزدیک می‌شود، اضطراب تأمین هزینه‌ها هم با آن می‌آید. امسال مجبور شدیم وسایل پارسال را تعمیر کنیم تا دوباره استفاده شوند. زهرا ساداتیان، مادر یک دانش‌آموز کلاس اولی، درباره الزام معلمان به تهیه دفاتر رنگی در سامانه «شاد» می‌گوید: از طریقی شاد به ما اعلام کردند که باید دفتری‌هایی با رنگ‌های مشخص برای هر درس تهیه کنیم. این در حالی است که قیمت هر دفتر ساده هم چند برابر شده. بطور باید هم هزینه دفاتر رنگی را بدیم و هم بقیه لوازم را بخریم؟ وی می‌افزاید: بعضی معلمان تأکید دارند که اگر دفتر با رنگ مشخص نباشد، دانش‌آموز نمره منظم بودن را از دست می‌دهد. این فشار مضاعف است. حسین صفریان، پدر دودانش‌آموز در مقطع متوسطه که برای خرید به بازار دکه‌های ایلام آمده است در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به هزینه‌های جانی مدرسه می‌گوید: هر سال بخشی از درآمدمان را برای خرید لوازم مدرسه کنار می‌گذارشتیم، اما امسال حتی اگر پس‌انداز چند ماه‌مان را خرج کنیم باز هم همه نیازها تأمین نمی‌شود. واقعا نمی‌دانم مسئولان بطور می‌خواهند این فشار اقتصادی را جبران کنند. سیمیه، مادر یک دانش‌آموز مقطع ابتدایی در تهران، نیز می‌گوید: برای دو تا خودکار و یک دفتر ۲۰۰ هزار تومان پول دادم. به خانه بردم و پسرم گفت حاضر نیست از آن‌ها استفاده کند، چون ساده است و کیفیت ندارد. بازار نوشت‌افزار در آستانه مهر ۱۴۰۵ با ترقیبی از گرانی ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی، رکود تقاضا و افت شدید قدرت خرید خانوارها مواجه است. روایت اولیای دانش‌آموزان نشان می‌دهد که بسیاری از خانواده‌ها نتنها از خرید اقلام غیرضروری صرف‌نظر کرده‌اند، بلکه مجبور شده‌اند وسایل سال گذشته را تعمیر کرده یا دوباره استفاده کنند. در این شرایط، الزام برخی معلمان در بستر «شاد» به تهیه دفاتر با رنگ‌های مشخص، بار مالی مضاعفی بر خانواده‌ها تحمیل می‌کند؛ به‌ویژه که این الزام با تهدید ضمنی به نمره یا انضباط همراه است. کارشناسان می‌گویند تا زمانی که سیاست‌های حمایتی مؤثری برای کنترل قیمت کاغذ و مواد اولیه اتخاذ نشود و تعامل میان مدارس و خانواده‌ها ساماندهی نشود، هزینه تحصیل برای خانوارهای کم‌درآمد همچنان سنگین‌تر خواهد شد. در این میان، صدای اولیای بیش از هر زمان دیگری شنیده می‌شود؛ صدایی که می‌گوید آموزش نباید به بحران معیشتی تبدیل شود.

گفتگو

پشت پرده تخلفات پنهان سلامت؛

حبس و جریمه در انتظار پزشک‌نماهای مجازی

با وجود هشدارهای مکرر درباره فعالیت پزشک‌نماها و افراد فاقد صلاحیت در حوزه درمان، همچنان تبلیغات گسترده این افراد در فضای مجازی و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی ادامه دارد؛ افرادی که گاه با استفاده از تصاویر «قبل و بعد» و تبلیغات فریبنده، اعتماد مخاطبان را جلب کرده و وارد حوزه‌هایی مانند جراحی‌های زیبایی می‌شوند. در همین حال، اصغر جهانگیر، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، نیز اخیراً نسبت به فعالیت برخی عطاری‌ها و افراد فاقد صلاحیت در حوزه درمان و عرضه داروها هشدار داده و تأکید کرده است دستگاه‌های مسئول باید درباره برنامه‌های خود برای نظارت بر این حوزه‌ها و میزان اثربخشی اقداماتشان پاسخگو باشند. در همین راستا، برای بررسی ابعاد حقوقی و قضایی فعالیت پزشک‌نماها، تبلیغات غیرمجاز خدمات پزشکی در فضای مجازی، دریافت زیرمیزی و همچنین برخی تخلفات مراکز تهیه و عرضه غذا، با سعید احمدی‌بیگی، معاون دادستان و سرپرست دادسرای جرایم پزشکی گفتگو کردیم. متن این گفتگو به شرح زیر است:

در پرونده‌های اخیر، پزشک‌نماها بیشتر در چه حوزه‌هایی فعالیت می‌کنند و معمولاً با چه شیوه‌ای اعتماد مردم را جلب می‌کنند؟
در پرونده‌های اخیر، پزشک‌نماها بیشتر در حوزه عمل‌های جراحی زیبایی فعالیت می‌کنند؛ چراکه این حوزه گردش مالی بالایی دارد. این افراد عمدتاً از طریق صفحات اینستاگرام و تبلیغات غیرمجاز، از جمله انتشار تصاویر قبل و بعد از عمل و موارد مشابه، اعتماد مردم را جلب می‌کنند.

اگر فردی در فضای مجازی خود را پزشک معرفی کند، در حالی که مدرک و مجوز لازم را ندارد، چه عنوان مجرمانه‌ای خواهد داشت؟

اگر فردی خود را در فضای مجازی پزشک معرفی کند، این اقدام می‌تواند مصداق تبلیغات غیرمجاز خدمات سلامت‌رسان باشد که مطابق ماده یک قانون ممنوعیت تبلیغات خدمات سلامت‌رسان، برای آن مجازات حبس تا دو سال پیش‌بینی شده است. از سوی دیگر، چون این معرفی معمولاً با مداخله فرد در امر پزشکی همراه می‌شود، می‌تواند عنوان مجرمانه مداخله در امور پزشکی موضوع ماده ۳ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی را نیز داشته باشد.

آیات تبلیغ و ارائه خدمات پزشکی توسط افراد فاقد صلاحیت در فضای مجازی نیز قابل پیگرد کیفری است؟

بله. معرفی و تبلیغ فرد فاقد صلاحیت در حوزه خدمات سلامت، جرم و مصداق تبلیغ غیرمجاز خدمات سلامت‌رسان است و می‌تواند تا دو سال حبس به دنبال داشته باشد. مردم می‌توانند نام فرد را در سایت سازمان نظام پزشکی جست‌وجو کنند. در این سامانه تصویر و تخصص پزشک نیز ارائه می‌شود. اگر فرد در سامانه نتایج‌ای نداشت یا تصویر ثبت شده با شخصی که خدمات ارائه می‌دهد مطابقت نداشت، باید نسبت به صلاحیت او تردید کرد و موضوع را به مراجع مربوط گزارش داد. ویزیت، اعمال جراحی و سایر خدمات پزشکی دارای تعرفه‌های مصوب هستند که هر سال اعلام می‌شود. دریافت هر مبلغی تحت هر عنوان مازاد بر تعرفه‌های مصوب، تخلف تعزیراتی محسوب می‌شود و برابر قانون تعزیرات حکومتی در امور بهداشتی قابل رسیدگی در سازمان تعزیرات حکومتی است. در اخذ وجه مازاد بر تعرفه تفاوتی ندارد که مبلغ به حساب خود پزشک واریز شود، به حساب شخص ثالث باشد یا به صورت نقدی دریافت شود. اگر پزشک از بیمار بخواهد وجه را به صورت نقدی یا به حساب شخص دیگری پرداخت کند، موضوع فرار مالیاتی نیز می‌تواند مطرح شود؛ چرا که وجوه باید به حسابی واریز شود که به اداره امور مالیاتی متصل باشد.

پیامک، رسید کارت به‌کارت یا گردش حساب تا چه اندازه می‌تواند به اثبات دریافت زیرمیزی کمک کند؟

هر دلیلی که بتواند دریافت وجه اضافی را اثبات کند قابل پیگرد است؛ از جمله رسید پرداخت، فیش بانکی، صورتحساب بیمارستان، قرارداد درمان، پیامک‌ها، مکاتبات، فایل‌های صوتی و سایر مستندات که دریافت وجه اضافی را نشان دهد.



رئیس سازمان بهزیستی کشور اعلام کرده است که حدود ۸۷ درصد کودکانی که در مراکز شبه‌خانواده نگهداری می‌شوند، دارای سرپرست نامناسب یا بدسرپرست هستند؛ موضوعی که اهمیت مداخله در وضعیت خانواده را دوچندان می‌کند. در همین راستا، بهزیستی توسعه مراکز روزانه رادنیال می‌کند تا کودک به جای جدایی از خانواده، خدمات حمایتی، آموزشی و مراقبتی دریافت کند و در پایان روز به خانه بازگردد.

بازگشت به مدرسه؛ حلقه مفقوده حمایت از کودکان کار

یکی از مهم‌ترین چالش‌های کودکان در معرض آسیب، بازماندگی از تحصیل است. رئیس سازمان بهزیستی کشور اعلام کرده است که تاکنون ۲ هزار و ۸۰۸ کودک بازمانده از تحصیل در جامعه هدف این سازمان شناسایی شده‌اند و هدف‌گذاری برای سال جاری، بازگرداندن همه این کودکان به مدرسه است. حسینی همچنین گفته است برای هر کودک تحت پوشش، کمک هزینه تحصیلی در نظر گرفته

شده و بهزیستی پیگیری ثبت‌نام کودکانی را که با وجود داشتن مجوز تحصیل، از سوی مدرسه پذیرفته نمی‌شوند، بر عهده خواهد گرفت. در کنار آموزش، توانمندسازی نیز در دستور کار قرار گرفته است. بر اساس اعلام بهزیستی، طرح‌های غربالگری، استعدادیابی و مهارت‌آموزی برای کودکان اجرا می‌شود تا مسیر تحصیلی و شغلی آنها متناسب با استعداد و شرایطشان مشخص شود.



خانواده محوری بهزیستی همخوانی دارد.

خانواده؛ حلقه‌ای که نمی‌توان نادیده گرفت

بخش قابل توجهی از سیاست جدید بهزیستی بر حمایت از خانواده استوار شده است. تجربه مراکز شبه‌خانواده نیز نشان می‌دهد که بسیاری از کودکان با وجود داشتن خانواده، به دلیل شرایط نامناسب اقتصادی یا اجتماعی امکان برخورداری از مراقبت مناسب را ندارند. از سوی دیگر،

همین اساس، بهزیستی توسعه مراکز روزانه، مداخلات اجتماعی و مدل‌های خانواده‌محور را دنبال می‌کند. در همین چارچوب، سیاست سازمان بر توسعه مراکز روزانه استوار

شده است؛ مراکزی که در آنها کودک خدمات حمایتی، آموزشی و مراقبتی دریافت می‌کند اما در پایان روز به خانواده بازمی‌گردد. این شیوه، ضمن ارائه حمایت‌های لازم، ارتباط کودک با خانواده را حفظ می‌کند و با رویکرد

پارچاست و افزایش فقر و فشارهای اقتصادی می‌تواند زمینه ورود دوباره کودکان به بازار کار را فراهم کند.

چرا کودک کار دوباره به خیابان بازمی‌گردد؟

به گفته رئیس سازمان بهزیستی کشور، مسئله کودک کار را نمی‌توان صرفاً با جمع‌آوری کودک از خیابان حل کرد؛ زیرا تا زمانی که شرایط اقتصادی و اجتماعی خانواده تغییر نکند، امکان بازتولید این چرخه وجود دارد. بر

تا ۳۴هزار؛ سازمان ملی هوش مصنوعی تشکیل می‌شود

با ابلاغ «قانون ملی توسعه هوش مصنوعی» از سوی رئیس مجلس شورای اسلامی، گام‌های اجرایی برای ساماندهی این حوزه فناورانه آغاز شد. این قانون که بر تشکیل «سازمان ملی هوش مصنوعی» تأکید دارد، بستری برای توسعه و مدیریت این فناوری را فراهم می‌کند. بر اساس این مصوبه، دولت موظف است حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ، نسبت به تأسیس «سازمان ملی هوش مصنوعی» اقدام کند. این سازمان در مسیر فعالیت خود، وظیفه دارد آیین‌نامه‌های اختصاصی برای فضای مجازی و هوش مصنوعی ویژه کودکان و نوجوانان را تدوین کرده و برای طی مراحل تصویب به هیئت دولت ارائه دهد. از سوی دیگر، ذیل این قانون، «صندوق هوش مصنوعی» با سرمایه اولیه ۱۰ هزار میلیارد تومان (۱۰ همت) پیش‌بینی شده است تا پشتیبانی مالی لازم از طرح‌های توسعه‌ای این حوزه صورت گیرد. همچنین، تدوین مقررات و چارچوب‌های کیفری و مدنی مرتبط با فناوری هوش مصنوعی از دیگر محورهای اصلی این قانون ابلاغی است. موضوع ساختار حکمرانی و مدیریت هوش مصنوعی در سال‌های اخیر به یکی از پرجالش‌ترین مباحث میان نهادهای متولی فناوری در کشور تبدیل شده بود. تیرماه سال ۱۴۰۳ و در واپسین روزهای دولت سیزدهم، «سازمان ملی هوش مصنوعی» با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی و به صورت مستقل تحت نظارت نهاد ریاست جمهوری رسماً افتتاح و سرپرست آن نیز منصوب شد؛ اقدامی که هدف از آن تمرکز بر توسعه زیرساخت‌ها، داده‌ها و سرمایه‌گذاری‌های کلان این حوزه عنوان شده بود. با این حال، با آغاز به کار دولت چهاردهم، این ساختار با مخالفت‌هایی از سوی معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری روبه‌رو شد. منتقدان معتقد بودند ایجاد یک سازمان مستقل به موازات معاونت علمی، موجب موازی کاری، تداخل وظایف و چنددستگی در سیاست‌گذاری فناوری می‌شود. در نتیجه این اختلاف نظر‌ها، ساختار پیشین متوقف شد و در شهریورماه ۱۴۰۳، معاونت علمی اقدام به راه‌اندازی «ستاد توسعه فناوری‌های هوش مصنوعی» ذیل معاون اول رئیس جمهور کرد تا فرماندهی این بخش را درون ساختار موجود معاونت نگه دارد.

سهمیه ویژه کنکور برای آسیب‌دیدگان جنگ باید از امسال اعمال شود

صدای موشک را نمی‌توان از کارنامه کنکوری‌ها حذف کرد

عضو هیأت رئیسه کمیسیون آموزش در مجلس با اشاره به اظهارات اخیر وزیر علوم درباره پیشنهاد اختصاص سهمیه به داوطلبانی که منازل آنها به‌طور کامل در جریان جنگ تخریب شده است، افزود: اینکه این پیشنهاد پس از بررسی کارشناسی به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال شده، به معنای تعیین تکلیف داوطلبان کنکور امسال نیست و نگرانی اصلی ما این است که فرآیند تصمیم‌گیری زمانی به نتیجه برسد که دیگر امکان اعمال آن برای پذیرش امسال وجود نداشته باشد. فاطمه جراره عضو هیأت رئیسه کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس در واکنش به نرسیدن سهمیه ویژه داوطلبان آسیب‌دیده از جنگ به کنکور امسال، گفت: دانش‌آموزانی که ماه‌های منتهی به آزمون سراسری را در شرایط جنگی سپری کردند و با وجود صدای موشک، اضطراب و نگرانی برای خانواده‌های خود پای کنکور نشستند، نباید به دلیل تأخیر در تصمیم‌گیری، از حق جبران شرایط نابرابر خود محروم شوند. نماینده مردم بندرعباس، قشم، ابوموسی، حاجی‌آباد و خمیر در مجلس با اشاره به اظهارات اخیر وزیر علوم درباره پیشنهاد اختصاص سهمیه به داوطلبانی که منازل آنها به‌طور کامل در جریان جنگ تخریب شده است، افزود: اینکه این پیشنهاد پس از بررسی کارشناسی به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال شده، به معنای تعیین تکلیف داوطلبان کنکور امسال نیست و نگرانی اصلی ما این است که فرآیند تصمیم‌گیری زمانی به نتیجه برسد که دیگر امکان اعمال آن برای پذیرش امسال وجود نداشته باشد. جراره تصریح کرد: داوطلبان امسال آزمون خود را برگزار کرده‌اند و اکنون در مرحله‌ای قرار دارند که نتایج و فرآیند پذیرش آنها در حال تعیین تکلیف است؛ بنابراین اگر هدف از این سهمیه جبران شرایط ویژه‌ای است که دانش‌آموزان جنگ‌زده تجربه کرده‌اند، باید روشن شود این جبران چگونه و با چه سازوکاری در فرآیند پذیرش همین دوره اعمال خواهد شد. عضو هیأت رئیسه کمیسیون آموزش مجلس با تأکید بر شرایط دانش‌آموزان هرمزگان گفت: نمی‌توان از دانش‌آموزی که در شرایط عادی فرصت مطالعه و آمادگی برای کنکور نداشته است، همان نتیجه‌ای را انتظار داشت که از یک داوطلب برخوردار از آرامش و شرایط پایدار آموزشی انتظار می‌رود.

« صاحب امتیاز و مدیرمسئول: وحید ملک «جانشین مدیرمسئول: سجاد ملک « زیر نظر شورای سردبیری «عضو تعاونی مطبوعات کشور «مدیر بازرگانی: زهرا قره داغی «سیاست: بصیرت جعفری «اقتصاد و گوناگون: بهاره یوسفی «جامعه: مریم کاظمیان فرد «نفت و انرژی: سعیده کاظمیان فرد «آدرس: تهران - بلوار شهران - نبش خیابان قدس - پلاک ۲ - ساختمان افرا - طبقه ۴ - واحد ۴۵ «کدپستی: ۱۴۷۴۹۳۱۹۷۴ «تلفن: ۴۴۳۲۷۹۱۵ - ۴۴۳۲۴۶۸۵ - ۴۴۳۲۷۴۸۳ «دورنگار: ۰۲۱۴۴۳۳۴۴۲۵۷ «دفتر تبریز: میدان پیشقدم- خ عطار نیشابوری جنوبی- کوی یاسمن- پ ۱

میراث فرهنگی

زیر «تخت جمشید» چه خبر است؟

رازهای مهندسی یک بنای ۲۵۰۰ ساله

الهه جعفرزاده/ گروه فرهنگ

آنچه امروز در دامنه کوه رحمت در استان فارس می بینیم، تنها بقایای چند کاخ باستانی نیست. یونسکو تخت جمشید را یکی از بزرگ ترین محوطه های باستان شناسی جهان و نمونه ای برجسته در معماری، شهرسازی، فناوری ساخت و ساز و هنر معرفی می کند؛ مجموعه ای که ساخت آن از حدود ۵۱۸ پیش از میلاد آغاز شد و در دوره های بعد ادامه پیدا کرد. اما یکی از عجیب ترین ویژگی های تخت جمشید پیش از آنکه اولین ستونش بالا برود شکل گرفته بود؛ زمینی که بناها روی آن قرار گرفتند. تخت جمشید روی دشتی صاف ساخته نشده است. سازندگان ابتدا دامنه کوه را به سکویی وسیع تبدیل کردند؛ سکویی که بخشی از آن از بستر طبیعی کوه تشکیل شده و بخش دیگر با سنگ و مصالح پر شده است. دانشنامه ایرانیکا ابعاد تقریبی این صفا را حدود ۳۰۰ در ۴۵۵ متر ذکر می کند. فرورفتگی های ستر سنگی با خاک، سنگ و قطعات بزرگ سنگ پر شد و برای ایجاد بخش هایی از دیواره صفه (سکوی عظیم سنگی و همواری که مجموعه کاخ ها و تالارها روی آن ساخته شده اند)، تخته سنگ های عظیم تراش خوردند و کنار یکدیگر قرار گرفتند. نکته جالب این است که در قسمت هایی از این سازه، سنگ ها بدون ملات به هم متصل شده اند و برای تثبیت آنها از بست های فلزی استفاده شده است. در واقع پیش از آنکه کاخ ها ساخته شوند، مهندسان باستان باید مسئله ای بسیار بنیادی تر را حل می کردند؛ چگونه سطحی بزرگ، پایدار و مناسب برای تحمل مجموعه ای عظیم در دامنه کوه ایجاد کنند؟ شاید جذاب ترین بخش مهندسی تخت جمشید، شبکه هدایت آب زیر مجموعه باشد که گردشگر معمولاً آن را نمی بیند. بازندگی روی چنین صفا بزرگی می توانست مشکل جدی ایجاد کند. جمع شدن آب در کنار ساختمان ها، نفوذ آن به زیر سازه ها و جاری شدن آب از دامنه کوه، در درازمدت می توانست به بناها آسیب بزند.

پرده نقره ای

پریسا سیدیان/ گروه فرهنگ

سومین فصل از مجموعه ای که با «مرد هزار چهره» در سال ۱۳۸۷ آغاز شد و یک سال بعد با «مرد دوهزار چهره» ادامه پیدا کرد حالا به سال ۱۴۰۵ رسیده است. دو فصل اول سریال آن سال ها زمان طلایی پخش در نوروز را در اختیار داشت و حتی بعد از بازپخش های مکرر از شبکه های آی فیلم و تماشا و... باز هم این قابلیت را داشت که مخاطب را پای تلویزیون نگه دارد و دوباره و سه باره از او خنده بگیرد؛ چیزی که به نظر می رسد «مرد سه هزار چهره» چندان توفیقی در آن نخواهد داشت. نکته اول و شاید ریشه بسیاری از نکات بعدی، این است که طنز مدبری در این سریال انگار همان جایی مانده که در دهه ۸۰ بود. آن زمان موقعیت های ساده، تیپ های مشخص، حضور یک یا چند فرد ساده لوح و موقعیت هایی که به فراخور این فرد و مواجعه او با اطرافیان به وجود می آمد و... می توانستند مخاطب را تا پایان یک قسمت با خود همراه کنند. اما مخاطب سال ۱۴۰۵ دیگر آن مخاطب قدیمی با انتخاب های محدود نیست. او هر روز با حجم زیادی از محتوای کوتاه، شوخی و ویدیو مواجه می شود و سرعت مصرفش بالاتر رفته است. بسیاری از شوخی ها را پیش از رسیدن به پایان موقعیت می تواند حدس بزند و برای انتخاب چیزی که قرار است و قش را پای آن بگذارد، گزینه های بسیار بیشتری دارد.

«مرد سه هزار چهره» حرف تازه ای برای گفتن ندارد

مهران مدیری آدم کم هوشی نیست و کارنامه اش هم گواه این واقعیت است. اتفاقاً همین سابقه باعث می شود مسئله جدی تر شود. مدیری در دوره های مختلف توانسته با شناخت مخاطب، زبان طنز خودش را پیدا کند و حتی از موقعیت های اجتماعی روزمره، کمدی بسازد. اما در «مرد سه هزار چهره» بخشی از همان هوش و تجربه روی فرمولی پیاده شده است که دیگر مثل گذشته جدید نیست و حرف تازه ای برای گفتن ندارد. مسئله فقط بد بودن شوخی ها نیست؛ مسئله این است که تعداد زیادی از آن ها خیلی زود قابل حدس می شوند.

حتی نمی توان دست به دامن تکه های وایرالی شد

این مسئله در شرایط امروز بیشتر خودش را نشان می دهد، چون رقیب سریال دیگر فقط تولیدات سایر شبکه ها نیست. اینستاگرام به محل تولید و مصرف طنز تبدیل شده و شبکه نمایش خانگی هم سال هاست شکل دیگری از تماشای سریال و کمدی را به مخاطب معرفی کرده است. مخاطب امروز فقط منتظر نمی ماند که تلویزیون یک سریال را پخش کند و بعد تصمیم بگیرد آن را ببیند. بخشی از آثار از طریق کلیپ های کوتاه، دیالوگ ها و موقعیت هایی که در شبکه های اجتماعی دست به دست می شوند، خودشان را به مخاطب معرفی

پیشنهادی برای مهران مدیری

لطفا تکراری نباشید!



می کنند. بر این اساس شاید بد نباشد مقایسه ساده ای میان سه فصل این مجموعه انجام دهیم. هنوز کلیپ های یک تا دو دقیقه ای از «مرد هزار چهره» و «مرد دوهزار چهره» در شبکه های اجتماعی بازنشر می شوند و بازدید می گیرند. این دو سریال، با وجود گذشت سال ها، هنوز موقعیت ها و دیالوگ هایی دارند که می توانند از قسمت اصلی جدا شوند و به تنهایی مخاطب دهه هشتاد و نودی که سریال را در سال اول پخش ندیده است، پای گوشی نگه دارند. اما «مرد سه هزار چهره» در دو قسمت ابتدایی، حتی چنین لحظه ای را هم به سختی ساخته است؛ لحظه ای که مخاطب بخواهد آن را جدا کند، برای دیگری بفرستد و بگوید «این را ببین».

لازم است اینقدر شبیه گذشته باشید؟!

استاندارد مخاطب در سال های اخیر تغییر کرده است. سریال های نمایش خانگی، کمدی های جدید، شبکه های اجتماعی و حتی برنامه هایی که بازیگران طنز را در موقعیت های متفاوت قرار داده اند، توقع مخاطب را بالا برده اند. مخاطبی که امروز به ریتم متفاوت، دیالوگ های فشرده تر و شخصیت پردازی متنوع تر عادت کرده، وقتی با همان الگوهای قدیمی روبه رو می شود، فاصله میان گذشته و امروز را سریع تر احساس می کند. به همین دلیل شاید مسئله «مرد سه هزار چهره» این نباشد که چرا دیگر شبیه «مرد هزار چهره» نیست؛ مسئله برعکس است؛ چرا هنوز تا این اندازه تلاش می کند شبیه آن باشد؟ با گذشت یک شخصیت قدیمی زمانی می تواند موفق باشد که نوستالژی را با تجربه و اتفاقات امروز پیوند بزند، نه اینکه صرفاً همان فرمول را دوباره اجرا کند.

نمونه ای که این نکته را روشن تر می کند سریال «پایتخت» است؛ مجموعه ای که تقریباً هم دوره با «مرد هزار چهره» ساخته شد و در هفت فصل ادامه پیدا کرد. «پایتخت» هم به همان شخصیت های اصلی پایبند مانده، اما هر فصلش توانسته حرف تازه ای برای گفتن

داشته باشد و شوخی هایش را متناسب با نیاز مخاطب به روز کند. همین حالا هم جزو سریال هایی است که مخاطب با اشتیاقی پای تلویزیون می نشیند تا فصل تازه اش را ببیند. این نمونه نشان می دهد که پایبندی به کلیت فیلم نامه و خط سیر داستانی و شخصیت های قبلی، نمی تواند دلیل خوبی برای افت خلاقیت باشد؛ می شود همان مسیر را ادامه داد و همچنان تازه بود.

لطفا تکراری نباشید!

این تلاش برای بازسازی گذشته در بازی برخی بازیگران هم دیده می شود. بعضی از آن ها به جای اینکه شخصیت تازه ای بسازند، یادآور بازیگر یا تیپ آشنایی از آثار قدیمی مدیری هستند؛ از نوع لحن و اغراق در بازی گرفته تا شکل واکنش ها؛ چنانچه بازی «بهی جدیدی» در نقش نامزد مسعود شصتچی به شدت یادآور نقش هایی است که سحر جعفری جوزانی در کارهای مهران مدیری بازی کرده است. مخاطب امروز این نشانه ها را خیلی زود تشخیص می دهد. چیزی که زمانی می توانست بخشی از جذابیت یک شخصیت باشد، وقتی بارها دیده و با تقلید شود، به جای تازگی، حس «تکراری بودن» می دهد.

از سوی دیگر در ۱۸ سال گذشته، مخاطب، بازیگران این سری سریالی را در قالب های دیگر هم دیده است؛ رضانیخواه نمونه خوبی برای این مثال است. مخاطب امروز فقط نیکخواه آثار قدیمی مدیری را نمی شناسد. او را در برنامه های دیگر هم دیده و در «جوکر» لایه های دیگری از توانایی طنزش را تماشا کرده است. بنابراین وقتی همان بازیگر دوباره در یک قالب قدیمی قرار می گیرد، مخاطب دیگر صرفاً به دلیل تیپ سازی قدیمی به او نمی خندد. مخاطب حالامی داند نیکخواه می تواند چیزهای متفاوت تری ارائه کند و همین تجربه توقعش را بالا برده است.

پیشنهادی برای مهران مدیری

«مرد سه هزار چهره» هنوز دو قسمت بیشتر پخش نشده و صدور حکم نهایی درباره آن زود است. این سریال ممکن است در ادامه ریتم خودش را پیدا کند و شوخی های تازه تری بسازد، اما همین دو قسمت یک نکته را روشن کرده اند که مخاطب سال ۱۴۰۵ دیگر با شوخی های دهه ۸۰ نمی خندد. مهران مدیری برای موفق شدن در بازگشت به مسعود شصتچی، بیش از آنکه به مدیری سال های قبل نیاز داشته باشد، به مدیری امروز نیاز دارد؛ به همان هوش و تجربه، اما با زبان طنزی که برای مخاطب امروز ساخته شده باشد. در غیر این صورت «مرد سه هزار چهره» ممکن است بیش از آنکه ادامه یک موفقیت قدیمی باشد، تبدیل شود به یادآوری اینکه حتی موفق ترین فرمول های طنز هم اگر به روز نشوند، یک روز تاریخ مصرفشان تمام می شود.

قفل ۴۰ ساله اراضی «پورقمی» اورین شکست

پایانی بر بلا تکلیفی ۳۰۰ مالک در بهارستان



که با همدلی و وحدت رویه در مسیر رفع این معضل دیرینه گام برداشتند، قدردانی کرد.

تلاش برای ارتقای کیفیت زندگی: اولویت نخست شورای اسلامی اورین

در همین راستا، اعضای شورای اسلامی اورین نیز با تأکید بر ضرورت تغییر در چهره و کیفیت زیستی روستا، برنامه های خود را تبیین کردند. از نگاه اعضای شورا، حل مسئله پورقمی تنها آغاز راهی است که به توسعه پایدار ختم می شود.

شورای اسلامی اورین معتقد است که ارتقای سرانه های عمومی در تمام ابعاد، از فضای سبز و آموزشی گرفته تا رفاهی و ورزشی، باید با سرعت بیشتری پیگیری شود تا در شأن مردم شریف و زحمتکش اورین باشد.

نمایندگان مردم در پارلمان محلی روستای اورین تأکید کردند که با بهره گیری از اراضی آزاد شده، اولویت اصلی شورا ایجاد فضا های کاربردی است که مستقیم بر کیفیت زندگی روزمره مردم اثرگذار باشد.

در نهایت، اعضای شورای اسلامی اورین متعهد شدند که با نظارت دقیق بر روند اجرای پروژه های عمرانی، از هرگونه فرصت سوزی جلوگیری کرده و با جلب مشارکت بخش خصوصی و ظرفیت های دولتی، اورین را به الگویی از توسعه روستایی در استان تهران بدل کنند.

چشمگیر در ارتقای سرانه های زیستی محسوب می شود.

دهیار اورین تصریح کرد: در حال حاضر، عملیات اجرایی زیرسازی و جدول گذاری این اراضی با سرعت و دقت توسط دهیاری آغاز شده است تا به سرعت شاهد آماده سازی زیرساخت های لازم برای بهره برداری باشیم.

یکی دیگر از محورهای تحول آفرین در این طرح، گره گشایی از وضعیت دسترسی های ترافیکی است. همایون در این باره گفت: یکی از مطالبات دیرینه مردم، اتصال آسان به اتوبان تهران-ساوه بود که با تدبیر اتخاذ شده، عملیات عمرانی رمپ و لوپ های ورودی به طول ۳۵۰ متر و خروجی به طول ۵۰۰ متر به زودی کلید می خورد.

وی تأکید کرد: این پروژه حیاتی، بار ترافیکی سنگین ورودی های اورین را به طور محسوسی کاهش داده و دسترسی ساکنان به شریان های اصلی ارتباطی کشور را تسهیل خواهد کرد.

دهیار اورین در بخش پایانی سخنان خود، از نقش کلیدی مسئولان ارشد شهرستان تقدیر کرد: این موفقیت حاصل تعامل سازنده میان دستگاه های اجرایی و قضایی است. بدین وسیله مراتب سپاس خود را از اهتمام ویژه فرماندار محترم و دادستان قاطع شهرستان بهارستان ابراز می دارم.

همایون همچنین از حمایت های مستمر بخشدار محترم بوستان و اعضای محترم شورای اسلامی اورین

